



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

شماره ۲۴۶  
۲۱ بهمن ۱۳۸۳  
۹ فوریه ۲۰۰۵

# ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## مصاحبه با محمد امین کمانگر

شرکت کنندگان در دوره آموزشی ،  
شمسی ذاکری مصاحبه ای با  
محمد امین کمانگر داشته است.  
بدلیل طولانی بودن این مصاحبه  
در این شماره ایسکرا بخشی از آنرا  
چاپ می کنیم.

**شمسی ذاکری:** شما در  
صحبتهایتان بارها به تفاوت‌های  
جنبش ما، با جنبشهای دیگر اشاره  
داشتید، اینکه جنبش کمونیسم  
کارگری جنبش دیگری است.  
صفحه ۲

مدتی قبل در دانشگاه  
فرانکفورت آلمان بمدت دو ماه  
کلاس ترویجی توسط محمد امین  
کمانگر از کادرهای حزب  
کمونیست کارگری ایران برگزار شد.  
در این دوره آموزشی تاریخچه حزب  
از اتحاد مبارزان کمونیست و کومه  
له تا امروز، یک دنیای بهتر برنامه  
حزب، انقلاب کبیر فرانسه، کمون  
پاریس، انقلاب اکتبر، بیانیه حقوق  
بشر و..... مورد بحث و گفتگو  
قرار گرفت. در این رابطه یکی از

## در سالروز انقلاب ۵۷ زنده باد انقلاب کارگری!



### سیاوش دانشور

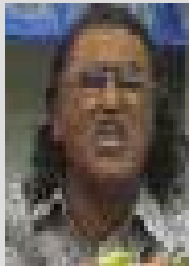
مدرن، شهری، چپ گرایانه و با  
اهداف انسانی بود. حرکتی بود  
علیه دیکتاتوری و اختناق خاندان  
پهلوی و فقر و فلاکتی که به مردم  
تحمیل شده بود. حرکتی بود برای  
آزادی و رفاه و حرمت انسانی که  
لگدمال شده بود. حرکتی بود علیه  
بساط ساواک و ترور و اعدام و  
شکنجه گاههای مدرن که برای  
ساکت نگهداشتن کارگر ارزان و  
خاموش و بسط و انکشاف سرمایه  
داری در ایران پیا شده بود. این اولین

صفحه ۳

جای این کره خاکی، برای کسانی که  
حاضر نیستند تبعیض و استثمار و  
اختناق و انقیاد سیاسی و اقتصادی  
را بپذیرند، هدفی برحق و مقدس  
است. ۲۶ سال از این تاریخ میگذرد  
و علیرغم کشاکشی خونین و پرافت  
و خیز بار دیگر غول انقلاب قد علم  
کرده است و میروود تا در یک تلاقی  
سیاسی، و روی دوش تجارب  
مبارزات آزادیخواهانه قرن اخیر،  
ادعانامه اش را به سر در جهان  
امروز بگوید.  
انقلاب ۵۷ ایران حرکتی برحق،

تاریخ معاصر مملو از  
تلاشهای برحقی است که بخاطر  
محدودیتهای خویش شکست خورده  
اند. اما این شکستها هیچکدام این  
حقیقت را نمیتواند انکار کند که  
انسانها در هر دوره‌ای ناچارند برای  
بهبود و تغییر آنچه که هست تلاش  
کنند. انقلاب ۵۷ ایران در زمره  
تلاشهای عظیمی بود که توسط یک  
جامعه شهری و سرمایه داری بوقوع  
پیوست و هدف خود را آزادی و  
برابری و رفاه قرار داده بود. این  
هدف نه فقط در ایران، بلکه در هر

## به کارگران نساجی کردستان



### محمد مزرعه کار

حقوق دوران اعتصاب، خواست لغو  
کار قراردادی، اتکا به مجمع  
عمومی، تشکیل صندوق اعتصاب،  
جلب حمایت و همبستگی مردم  
مبارز سنج و سایر شهرهای ایران،  
گزارش مذاکرات به افکار عمومی و

صفحه ۴

رفقای عزیز،  
اعتصاب پرشکوه شما در دیمه  
۸۳ نقطه عطفی در تاریخ مبارزات و  
اعتصابات کارگری در دوران شوم و  
کثیف جمهوری اسلامی است. کسب  
مطالبات بحق شما کارگران نساجی  
سنندج از جمله تحمیل ۱۶ روز

## پیام سازمان آزادی زن بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن



### آذر ماجدی

جهان این روز حائز اهمیت بسیار است.  
اکنون نزدیک به یک قرن است که جنبش  
آزادی زن، جنبش کمونیستی و جنبش  
آزادیخواهی این روز را گرامی می

صفحه ۲

هشت مارس روز جهانی زن است. روز  
جهانی اعتراض به زن ستیزی و مرد  
سالاری، روز جهانی مبارزه برای آزادی  
زن و برابری زن و مرد است. برای  
آزادیخواهان و برابری طلبان در سطح

زنده باد آزادی زن!  
زنان و مردان آزادیخواه!  
هشت مارس نزدیک می شود.

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 737 706 454  
E.mail:  
mansoorfarzad@yahoo.se

## دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007  
E.mail:  
asangaran@aol.com

## تلویزیون کانال جدید ۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:  
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

## رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

## رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت  
صدای کارگر، صدای انسانیت  
به همه طول موج  
رادیوی را معرفی کنید

۴۱ متر برابر

با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

## ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر  
میشود

→ مشخصات این جنبش کدامند؟

**محمد امین گمانگر** : من به این مسئله اشاره کردم که جنبشهای زیادی وجود دارند و هر یک بنحوی دارند مبارزه می کنند. جنبش دفاع از حیوانات، جنبش سبزها و دفاع از جنگلها، جنبشهای مختلف زنان، جنبش دفاع از خلقها و ناسیونهای مختلف، جنبش دمکراتیک خلق فلان جا، جنبش سوسیالیستی ۰۰۰ و دهها جنبش و گروه دیگری که اینجا لازم به ذکر آنها نیست. من آنجا مفصلاً به این مسئله اشاره کردم که سایر جنبشهای دیگر چگونه غالباً ستمهای موجود جامعه را از زاویه و کانال جایگاه و منافع خود توضیح می دهند و چگونه به یک یا چند مسئله پرداخته و از کنار بقیه دردهای جامعه بشری می گذرند. اما جنبش کمونیسم کارگری و بخش تحزب یافته آن حزب کمونیست کارگری چیز دیگری است. دردی وجود دارد، که درد اصلی است، زخمی است عمیق و دردناک که اینهمه نابرابری و ناعدالتی که در جامعه بشری می بینیم، اینهمه بیکاری و فقر و فلاکت و درگیری و فحشا که زندگی میلیونها انسان را بلعیده است و بشریت را به توحشی افسار گسیخته سوق داده است ناشی از آن است. دهشتناکترین ستم به انسان در این دنیای پر تلاطم ناشی از وجود مناسبات سرمایه داری بر مبنای مالکیت خصوصی و کار مزدی است. گرایش کمونیسم کارگری به اینجا تعلق دارد. منصور حکمت می گوید "کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آنرا نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عمل این جنبش بر

ادامه پیام سازمان آزادی زن ...

دارند، با صدای رسا اعتراض شان را به زن ستیزی و مردسالاری اعلام می کنند و یکبار دیگر بر تعهد خود به مبارزه برای آزادی زن تاکید می کنند. هشت مارس روز آزادیخواهی جهانی است. جنبش آزادی زن در ایران نیز به این جنبش جهانی پیوسته است و گرامیداشت روز جهانی زن را به یک سنت خود بدل کرده است. هشت مارس نه تنها از نظر جایگاه بین المللی آن

نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین، و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است." ما جنبشی هستیم که حقایق اساسی راجع به جامعه و جهان موجود را بیان می کنیم. جنبش ما جنبشی است برای برابری، جنبشی برای رهایی بشر از شر خانمانسوز نظام سرمایه داری، جنبشی برای عدالت اجتماعی و بنا نهادن جامعه آزاد بشری. جنبش ما جنبش آرزوهای است که نسل به نسل انسانها در حسرت بواقعیست پیوستنش بوده اند، برایش مبارزه کرده اند، برایش زندانی کشیده اند و شکنجه شده اند، محرومیتها کشیده اند و جانشان را فدا کرده اند. جنبش ما آن جنبشی است که داستان فراموش شدگان جامعه را بر صفحه زنده جهان متمدن امروز می گذارد، جنبش ما جنبش دنیای دیگر و جنبش دنیای بهتر است. که با همین انسانها در همین دنیای امروز، این همه آرزوهای انسانی نهفته در دل را باید به واقعیت موجود تبدیل کند و در یک کلام جنبش کمونیسم کارگری دیدگاه و نقد طبقاتی مارکس است و رهایی بشریت را تدارک می بیند.

**شمسی ذاکری** : شما در بحثی که در رابطه با قرن ۲۱ ارائه دادید و بحث است و در عین حال قرن اعتراضات و انقلابات و قرن باز گشت مارکس. این دو مشخصه را چگونه توضیح می دهید؟

**محمد امین گمانگر** : ببینید بورژوازی یا نظام سرمایه داری برای بقای خود و برای حفظ ثروتش از هیچ کشتار و جنایتی روی گردان نیست، می بینید که چگونه سرنوشت بشریت را با چنگالهای آهنینش به گروگان گرفته است و چگونه قتل

برای ما حائز اهمیت است، بلکه در تاریخ جنبش آزادی زن در ایران نیز این روز جایگاهی فراموش ناشدنی دارد. در سال ۱۳۵۷، یعنی چند هفته ای پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، این روز بعنوان یکی از دستاوردهای انقلاب علیه دیکتاتوری سلطنت گرامی داشته شد. در همین روز رژیم اسلامی اولین یورش سازمان یافته خود به زنان را آغاز کرد و ما شاهد اولین تظاهرات وسیع اعتراضی زنان در تاریخ ایران بودیم. هزاران زن در این روز در تهران،

عام وسیعی برای بقای این نظام و این ثروت، نهان و آشکارا برآه انداخته است. گرسنگی، بیکاری و گرانی سرسام آور در سطح دنیا بشریت را به خاک سیاه نشانده است. طبق آمار سازمان ملل ۸۰۰ میلیون انسان گرسنه و با شکم خالی شبها می خوابند. از طرف دیگر انباشت وسیع سلاحهای هسته ای، بیولوژیکی و شیمیایی و آلودگی محیط زیست که بقای بشر را مورد خطر قرار داده موجب وحشت و هراس انسانها از آینده شده است. این دیگر تقابل شرم آور و فوور نعمت در غرب و گرسنگی توده ای در جهان سوم نیست، بلکه گرسنگی توده گیر شتاب آوری است در سطح جهان، روی آوری دولتهاست به اقتصاد جنگی و تولید عظیم سلاحهای مرگبار، کم کردن بودجه رفاهیات مردم و اضافه کردن رقمهای سرسام آور به بودجه نظامی و تسلیحاتی. از طرف دیگر فشار رقابت عظیم جهانی موسسات سرمایه داری دولتهاشان را ناگزیر کرده است که با ارقام نجومی برای آخرین تکنولوژیها سرمایه گذاری کنند. این است که قرن ۲۱، از یکطرف قرن بیدادگری به تمام معنا، قرن ترس از گرسنگی و کشتار، قرن زنده کردن انواع ترزا و افکار ارتجاعی و پوسیده ای است که سالیان سال بشریت متمدن علیه آن جنگیده و مبارزه کرده و بورژوازی برای حفظ بقای نامشروع خود و وحشتش از رشد آزادیخواهی و برابری طلبی نسل جدید مجبور به هزینه کردن روی آن شده است. از طرف دیگر قرن انقلابات قرن مبارزات کارگران و زحمتکشان و قرن سوسیالیسم است. قرن انفجار عظیم و سیل خروشان گرسنگان دنیاست. قرن آزادیخواهی و برابری طلبی است. قرن تصفیه احزاب اپورتونیست چپ و راست و به سر

تیریز و چند شهر دیگر به خیابانها آمدند و علیه حجاب و در دفاع از آزادی زن دست به تظاهرات زدند. از این روز موقعیت جنبش دفاع از حقوق زن وارد مرحله نوینی شد. در این روز جنبش آزادی زن در ایران تولد یافت و در سالهای اخیر این جنبش که با افت و خیزهای بسیاری تحت رژیم اسلامی روبرو بوده است رشد چشمگیری کرده است. به یک جنبش وسیع و رادیکال بدل شده است. لذا هشت مارس برای جنبش آزادی زن در ایران یک ویژگی

آمدن دوران نشان است. قرن اتحاد وسیع کارگران و زحمتکشان جهان در رابطه با آینده خود و سرنوشت بشریت است. دوران شفافیت کمونیسم و سوسیالیسم مارکس است. دوران شفافیت و پیوستن میلیون میلیون کارگر و زحمتکش و آزادیخواه دنیا به گرایش کمونیسم و تئوریهای انسان دوستانه منصور حکمت و دوران کمونیسم منصور حکمت است. این قرن قرن است که کارگران و زحمتکشان اجازه نمی دهند به ورطه فاجعه ای کشیده شوند که نه تنها آینده انسان بلکه بقای بشریت تهدید شود. همچنانکه دیدیم و شاهد هستیم در این قرن میلیونها انسان آزادیخواه در سراسر جهان کارخانه، کارگاه، مدرسه، دانشگاه و ادارات را تعطیل کردند به میادین و خیابانهای شهرها آمدند و علیه این اوضاع رژه رفتند. قرن ۲۱ خیلی علنی و خیلی عملی دنیا را بر سر یک دو راهی آشکار قرار داده است. دنیای رفاه و آزادی و برابری طلبی و سوسیالیسم، در مقابل دنیای فقر و فلاکت و بربریتی که بورژوازی در جهان به اکثریت مردم تحمیل کرده است. در این دوران صفحه سفید و وسیعی از تاریخ جهان به روی چپ به روی انسانیت و کمونیسم توسط خود بورژوازی باز شده است. شرایط داده شده ای است که صفهای میلیونی در پشتش قرار گرفته اند که تاکنون بشریت بر خود ندیده است. هوشیارانه باید تضمین کرد که کشتی عظیم بشریت از میان این اقیانوس طوفانها با کمترین تلفات ممکن گذر داده شده و به ساحل امن، به رفاه و برابری و آزادی برسد. این امر تنها برعهده جنبش کمونیسم کارگری است.

\*\*\*\*\*

بومی نیز داراست. چند سالی است که هشت مارس در ایران بطرق مختلف در میتینگ های وسیع و جمع های کوچک گرامی داشته می شود. هشت مارس می رود که بیک سنت پایدار جنبش آزادیخواهی در ایران بدل شود. این سنت را باید تحکیم و تثبیت کنیم. هشت مارس امسال (۱۸ اسفند) باید با شکوه هر چه بیشتری برگزار

بقیه در صفحه ۴

تلاش سیاسی در تاریخ معاصر ایران بود که کارگر بعنوان يك بازیگر و نیروی اجتماعی در آن نقش کلیدی داشت. طبقه کارگری که در تحولات پیشین یا اساسا در صحنه نبود و یا موجودیت اجتماعی اش امکان دخالتگری سیاسی را نمیداد. شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" یکی از شعارهای کلیدی و فراموش نشدنی انقلاب ۵۷ است. طبقه کارگری که نهایتا مبارزه و جنبش اعتراضی همگانی علیه شاه را با اعتصابات فلج کننده صنعت نفت به فرجام رساند و کمر رژیم شاه را شکست. طبقه کارگری که با جنبش شورائی کارگری در این انقلاب خصلت و ماهیت جدیدی به تحول سیاسی و سیاست در آن جامعه داد. رژیم شاه و فرمانداریهای نظامی اش زیر موج گسترش یابنده اعتراضات و تظاهراتها و اعتصابات و جنگ سنگر به سنگر روزهای آخر به زانو در آمد و سرنگون شد. اما مردمی که حاکمیت شاه و رژیم نور چشمی آمریکا و ژاندارم منطقه را بزیر کشیده بودند، نتوانستند به آرمانهای انقلاب ۵۷ دست یابند. سوال اساسی در بررسی این تحول عظیم اجتماعی اینست که چرا در انقلابی که شعار آزادی و برابری را مطرح میکنند و کارگر نقش کلیدی در آن دارد، انقلاب به نتیجه نمیرسد و ضد انقلاب اسلامی بقدرت میخرد؟

اوضاع بین المللی و انقلاب ۵۷ انقلاب ۵۷ در متن شرایط بین المللی و داخلی ویژه ای رخ داد. جهان آن دوره و تحولات سیاسی آن مستقیما و کمابیش متاثر از آرایش سیاسی، ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و معادلات جنگ سرد بود. برای هر ناظر سیاسی روشن بود که انقلاب و خیزش همگانی در کشوری مانند ایران تحت سلطه سیاسی و اقتصادی آمریکا، تحولی چپگرا خواهد بود. نتیجه مستقیم انقلاب ۵۷، چه به دلیل رقابت آمریکا و شوروی در ایران و چه بدلیل موقعیت مهم ژئوپولیتیکی ایران در خاورمیانه و در همسایگی شوروی و چه بدلیل جهت سیاسی و شعارهای انقلاب، میرفت تا به يك رژیم سیاسی چپ در ایران شکل بدهد. رژیم سلطنتی شاه در مقابل اعتراض مردم مدت زیادی نتوانست دوام بیاورد.

دولت‌های غربی و در راس آنها آمریکا تمام تلاششان را کردند که حکومت شاه را سرپا نگهدارند. اما زمانی که معلوم شد که رژیم شاه رفتنی است و "شاه صدای انقلاب را شنید"، سوال اصلی برای آمریکا و دولت‌های غربی نجات نظام سرمایه داری ایران و جلوگیری از قدرتگیری چپ بود. بدنبال شکست فرمانداریهای نظامی شاه و دولت بختیار و پیشروی انقلاب، جریانی لازم بود که بتواند رسالت رژیم سلطنتی را در مقابل انقلاب به فرجام برساند. نجات سرمایه داری ایران و جلوگیری از قدرتگیری چپ لازمه اش سرکوب خونین انقلاب بود. به نیروئی نیاز داشت که با نام انقلاب، انقلاب را بکوبد. در کنفرانس گوادلوپ طرح آمریکا مبنی بر خروج شاه و حمایت از جریان اسلامی خمینی در دستور قرار گرفت. خمینی آخوند گمنام و مرتجعی که تمام "افتخارش" اعتراض به رای زنان و اصلاحات ارضی بود، و در مقایسه با نیروهای اپوزیسیون وقت آن زمان در حاشیه سیاست ایران بود، از عراق و نجف به پاریس برده شد و در نوفل لوشاتو زیر نور رسانه های غربی قرار گرفت. خمینی آخوند مرتجع و کرپهیی که بیشتر مردم شرکت کننده در انقلاب حتی نامی از نشنیده بودند به سرعت و توسط امثال بی. بی. سی به "رهبر" و "مرجع تقلید" مردم تبدیل شد! در داخل کشور نیز اپوزیسیون سنتی ایران، ملیون مرتجع جبهه ملی و نهضت آزادی و حزب توده و اقمارش و روشنفکران اسلام زده و شرقرزه به حمایت از خمینی برخاستند. سحابی از رهبران جبهه ملی گفت: "در تاریخ کمتر چنین مردی ظهور کرده است!" نهضت آزادی در بیانیه تنگین اش به تمجید امام خمینی پرداخت. حزب توده بنا به سیاست آخوند دوستی اش و مصلحت "ضد آمریکائی" بلوک متبوعش پشت خمینی رفت. روشنفکران و ادبا و شعرائی که شاگردان مکتب آل احمد و شریعتی بودند و تمام آرمانشان را در ضد غربزدگی و تقدیس سنت و عقب ماندگی خویش جستجو میکردند، جملگی به استقبال خمینی شتافتند. جنبش ملی اسلامی و اپوزیسیون سنتی ایران در مقابل نسل جوان انقلابی و کارگر سوسیالیست

صنعت نفت به خمینی سجده کرد و همراه با دولت‌های غربی، خمینی این لجن تاریخ را به مردم ایران فروختند. بیشتر ژنرال هویز به ایران رفته بود و حمایت سران ارتش شاه از جریان اسلامی را گرفته بود. دستگاه سرکوب رژیم سلطنتی باید دست نخورده تحویل رژیم جدید داده میشد و بویژه از ضربات انقلاب مصون میماند. همزمان با بند و بست دولت‌های غربی و نیروهای اپوزیسیون سنتی ایران برای حمایت از خمینی انقلاب در خیابان و کارخانه ادامه داشت. از ایندوره در تظاهراتها توسط اسلامیهها شعار "ارتش برادر ماست!" سر داده میشود. حمله به ساواک و شهربانی و مراکز قدرت رژیم منع میشود و امثال هادی غفاری در خیابانها تلاش میکردند که مردم را از حمله به ارکانهای قدرت رژیم شاه بازدارند. میگفتند "امام دستور جهاد نداده است!" تنها مانع اصلی شوراهای کارگری و اعتصاب قدرتمند نفت بود. این نیرو هنوز ابتکار عمل انقلاب را در دست داشت و پیروزی پیشروی آن میتوانست نتیجه انقلاب را دگرگون کند. مهدی بازرگان در راس هیئتی با هلیکوپترهای ارتش شاه سراغ اعتصابیون رفتند. هدف این بود که اعتصاب نفت تمام شود و ابتکار عمل از دست کارگران صنعت نفت بدست جریان اسلامی بیافتد. همین کار را هم کردند. از دوره ای و در مقطع تاسوعا عاشورا، این دیگر جریان کارگری و سوسیالیستی نفت نیست که ابتکار عمل سیاسی در انقلاب را دارد. انقلاب از همین روزها عملا شکست خورد و ورق به نفع جریان اسلامی خمینی بازگان برگشت. شاه با يك اشاره از ایران خارج شد. شاه رفت و خمینی آمد! اما علیرغم این تلاشها و بند و بستهای بین المللی و داخلی مردم قیام کردند. پادگانها و مراکز شهربانی و ژاندارمری تسخیر شد. مردم مسلح شدند. شوراها برپا شد. تظاهرات و اجتماع همه گیر شد. خیابانها مراکز اصلی قدرت و بحث و جدل برسر آینده بودند. اما کار از کار گذشته بود. نیروی انقلاب مقاومت میکرد و ارتجاع اسلامی، که آورده شده بود تا کار ناتمام شاه را تمام کند، به قدرت خزیده بود. مدت زیادی طول نکشید که خلع سلاح مردم و حمله به انقلابیون

کمونیزست و ضد کارگر بود که قابلیت ویژه ای در سرکوب چپ در جامعه میتوانست ایفا کند. با سرکوب خونین انقلاب ۵۷ رژیم اسلامی بعنوان رژیم سرکوب انقلاب وظایفش را انجام داد. اما از همان موقع بی مصرف شد. این رژیم غیر متعارف سرمایه داری در يك یکدوره غیر متعارف و بحرانی بود. این رژیم هیچوقت قادر نشد به رژیم متعارف سرمایه داری تبدیل شود. این امر مستلزم پائین کشیدن هویت سیاسی و ایدئولوژیکش از یکسو و دست زدن به يك تصفیه خونین در صفوف خود از سوی دیگر بود. در عین حال رژیمهای مانند جمهوری اسلامی که در يك شرایط بین المللی مورد استفاده آمریکا و غرب قرار گرفتند، بعد از پایان جنگ سرد و بهم ریختن معادلات قبلی جهان، به نیروهائی تبدیل شدند که در دنیای بعد از جنگ سرد بعنوان يك نیروی طبقاتی و بورژوائی یعنی جنبش اسلام سیاسی، با اتکا به تروریسم وارد دعوای قدرت سیاسی شدند و سهم و امتیازات سیاسی و اقتصادی خود را اعاده میکردند. از رژیم اسلامی تا طالبان در افغانستان و جریانات اسلامی در دنیای امروز نمونه های این نیروها هستند. دعوای امروز غرب با ایران و دست پروردگان سابق خود ریشه در صفتبندیهای جدید دوره پایان جنگ سرد و جدال برسر آرایش جدید بین المللی دنیای بعد از جنگ سرد دارد.

انقلاب و قدرت سیاسی بررسی هر انقلابی، بویژه با هدف اجتناب از کمبودهای آن در دوره آتی، امری حیاتی برای نیروهای اردوگاه انقلاب است. مهمترین صورت مسئله در هر انقلابی قدرت سیاسی است. در انقلاب ۵۷ مردم رژیم شاه را نمیخواستند و تمام موانعی که تلاش داشت مبارزه مردم را متوقف کند به کنار زدند. اما همین نیروی انقلاب کسب قدرت سیاسی را هدف خود قرار نداده بود. کارگران صنعت نفت در بهترین حالت خواستار شرکت يك نماینده کارگران در شورای انقلاب منصوب خمینی شدند. اپوزیسیون ملی اسلامی که خمینی همه آنها را نمایندگی میکرد فی الحال بقدرت رسیده بودند و امرشان این بود که چگونه نیروی انقلاب را به خانه بفرستند و رادیکالها و مخالفین را تار و مار

کند. این انقلاب معین با تمام خصوصیات آزادیخواهانه و نقش کارگر صنعتی و مردم شهری در آن، فاقد یک بلندگوی سیاسی بود. این انقلاب حزب نداشت. این انقلاب فاقد یکی از مهمترین سلاحهای خویش بر علیه بورژوازی بود. اگر در انقلاب ۵۷ حزبی کمونیستی بلشویکی وجود میداشت که پرچم آرمانهای آزادیخواهانه مردم را برافرازد و اردوی انقلاب را در مقابل رژیم شاه و اپوزیسیون سنتی و مرتجع آن و حامیان بین المللی اش نمایندگی کند، امروز با پدیده ای به نام جمهوری اسلامی و پرونده قطور جنایتش روبرو نبودیم. یک حزب انقلابی و مصمم و دخالتگر در چنین شرایطی میتوانست میلیونها نفر انسان تشنه آزادی و رفاه و برابری را متشکل و متحد کند و سرنگونی رژیم سلطنتی را به یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی تبدیل کند. فقدان حزبی کمونیستی و کارگری و مارکسیستی مانند حزب کمونیست کارگری در انقلاب ۵۷ ساده تمام نشده است. اگر کسی میخواهد اهمیت حزب کمونیستی بویژه در دوره های انقلابی را درک کند، باید به انقلاب ۵۷ نگاه کند و نتایج خونبار فقدان چنین حزبی را در ۲۶ سال گذشته جمع بندی کند.

انقلاب پرچم میخواهد، رهبری و سیاست میخواهد، روحیه سازش ناپذیر و رادیکال میخواهد، سازمان

و تشکیلات و تلاش فردی و جمعی میخواهد، اهداف اجتماعی و طبقاتی متفاوت و نقد روشن و تیز نیروی انقلابی به وضع موجود میخواهد. انقلاب ۵۷ شکست خورد چون چنین حزبی وجود نداشت و ما بازماندگان آن قتل عام عظیم خشت روی خشت چنین حزبی را برای ایندوره تحولات سیاسی ایران ساختیم. منصور حکمت بعنوان سخنگوی این انقلاب قد علم کرد و پرچم کمونیسم مارکسیستی و تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر را برافراشت. حزب کمونیست کارگری امروز محصول به میدان آمدن جنبش شورائی کارگری انقلاب ۵۷ و عروج نقد مارکسیستی به نظام سرمایه داری است. هیچوقت کارگر بدون کمونیسم و حزب کمونیستی و کمونیسم بدون کارگر بجائی نرسیده است. وجود حزب سیاسی کمونیستی و دخالتگری که سخنگوی اردوی انقلاب است مهمترین کمبود انقلاب ۵۷ بود که امروز با قدرتی عظیم در مرکز صحنه سیاست ایران حضور دارد.

یک معضل دیگر انقلاب ۵۷ تمایل پوپولیستی همه با هم علیه رژیم شاه بود. این مسئله دلایل متعددی داشت. اما نهایتاً فقدان حزب طبقه کارگر و پرچم سیاسی کارگری این امکان را میداد که نیروهای اپوزیسیون جملگی زیر چتر جنبش "ضد شاهی" فصل مشترکی

پیدا کنند. هر کسی که اپوزیسیون بود و مخالف رژیم شاه جزو "خودی ها" محسوب میشد! "بحث بعد از مرگ شاه" معروف تلاش داشت آگاهانه از پلاریزاسیون نیروهای اجتماعی و طبقاتی، که با هم وارد انقلاب شده بودند اما هدف مشترکی را دنبال نمیکردند، جلوگیری کند. مستقل از معدود جریاناتی از قبیل ما، که آزمان و در ابتدای انقلاب نقشی وسیع نداشت، کسی در اپوزیسیون ایران خمینی را آخوندی مرتجع و واپسگرا قلمداد نکرد. حاکمیت جریان اسلامی را در یک جامعه شهری قرن بیستمی زیر سوال نبرد! نیروی و حتی چپها واکنش نسبت به فرمان حجاب زنان نشان نداد! آزادی بیان و عقیده و یا مخالفت با مجازات اعدام هنوز تابو بود! کسی تصویرش این بود که طبقه کارگر و کارگر صنعت نفت، که خرج رژیم شاه و طبقه سرمایه دار و کل جامعه را میدهد و با اعتصابش این حکومت را بزیر کشیده است، میتواند و باید دولت تشکیل دهد! حتی پیشروان کارگری چنین تصویری نداشتند! کسی فکر نمیکرد که سوسیالیسم بعنوان یک راه حل و آلترناتیو سیاسی میتواند و باید جایگزین سرمایه داری شود! مبرمیت و ضرورت و امکانپذیری سوسیالیسم مطرح نبود! در این فضای ابهام و سردرگمی سیاسی، ناپختگی نیروی

انقلاب و ناروشنی نسبت به آینده بود که خمینی و جریان اسلامی توانستند نیروی انقلاب را درهم بکوبند. آن حزب کمونیستی و ستاد انقلاب که نقشه های بورژوازی را با قدرت توده ای و تعرض سیاسی نقش برآب کند، کارگر و جامعه را برای قدرتیگیری آماده کند، فرهنگ سیاسی و خواستها و نقد انقلاب را تعمیق کند، نبود و این کمبود به هر عقب ماندگی میدان میداد. امروز اما وضعیت فرق میکند. صفتبندیهای انقلاب و ضد انقلاب از هم اکنون روشن و صریح است. از رژیم اسلامی تا کل اپوزیسیون راست، و حتی چپهای سابق انقلاب ۵۷ که هنرشان امروز اینست که همراه با راست بگویند "انقلاب به نتیجه نرسید"، علیه اردوی انقلاب و پرچم سرخش موضع روشنی دارند. اینان علیرغم هر دعوای خانوادگی و جنبشی دماغشان را میگیرند و رای شان را به حفظ نظام موجود و نسخه های سازش در مقابل انقلاب و کمونیسم میدهند. اردوی انقلاب نیز باید بیش از هر زمان روشن باشد؛ روشن به معنی اهداف اجتماعی و طبقاتی و سیاسی متمایز، روشن به معنی سیاستها و تاکتیکهای روز، روشن به معنی تشکل و سازماندهی و تشکیلات، روشن به معنی نقد و نفی عمیق و همه جانبه وضع موجود، روشن به معنی آمادگی تمام عیار برای رهبری و سازماندهی

قیام و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی، و روشن به معنی مقابله قاطع با هر سیاستی که اردوی ضد انقلاب در مقابل پیشروی انقلاب میگذارد.

زنده باد انقلاب کارگریانقلاب ایران انقلابی کارگری و سوسیالیستی است. نه فقط هیچ بخش بورژوازی امروز سر سوزنی انقلابی نیست و انقلاب نمیخواهد، بلکه در دنیای بعد از جنگ سرد وقوع انقلاب در یک کشور سرمایه داری بحران زده و ورشکسته، تنها میتواند با افق و رهبری یک حزبی کمونیستی کارگری اتفاق بیافتد و چنین انقلابی یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی است. انقلاب ۵۷ توسط ضد انقلاب اسلامی و مرتجعترین نمایندگان بورژوازی شکست خورد و بخون کشیده شد، اما بعد از ۲۶ سال سرکوب و علیرغم حاکمیت یک رژیم آدمکش و خشن، انقلاب بار دیگر کمر راست کرده است و حزب انقلابی و جنبش کمونیسم کارگری با قدرتی عظیم و پایه اجتماعی وسیع خود را برای مصاف با ضد انقلاب اسلامی و حامیانش آماده میکند. در سالروز انقلاب ۵۷ قاطعانه اعلام کنیم؛ زنده باد انقلاب کارگری، زنده باد حزب کمونیست کارگری!

\*\*\*

### ادامه پیام سازمان آزادی زن

شود. در تمام شهرها باید میتینگ و یا تظاهرات برگزار کنیم. در این روز باید مهر آزادی زن و برابری زن و مرد را بر چهره جامعه بکوبیم. باید تمام جامعه تقاضای آزادیخواهی و برابری طبلی را احساس کند. همه باید بدانند که این روز هشت مارس است، روز آزادی زن، روز برابری زن و مرد، روز اعتراض به زن ستیزی و مرد سالاری است. باید با آمادگی کامل به استقبال ۸ مارس برویم.

فعالین جنبش آزادی زن، جمع های آزادی زن!

از هم اکنون باید به استقبال هشت مارس برویم. باید از هم اکنون بر در و دیوار شعار های ما نوشته شود: زنده باد آزادی زن! نه به حجاب اسلامی! نه به آپارتاید جنسی! نه به تبعیض علیه زن! نه به خشونت علیه زن! برای یک دنیای بهتر! باید در تراکت های مختلف این شعارها و فراخوان به برگزاری هشت

مارس نوشته و وسیعاً پخش گردد. محل تظاهرات، میتینگ و یا تجمع را از هم اکنون تعیین کنیم و وسیعاً اعلام کنیم. تلویزیون برای آزادی زن این اخبار را پخش خواهد کرد. این شعارها را باید بر پرچم بنویسیم و در روز هشت مارس به محل تجمع ببریم. در هشت مارس باید همه را تشویق کنیم که در اعلام همبستگی با جنبش آزادی زن و در احترام به این روز یک رویان قرمز که بر روی آن نوشته زنده باد آزادی زن بر سینه شان بزنند. باید کاری کنیم که در هشت مارس تمام جامعه در تب و تاب باشد، جامعه عادی نباشد، همه از حقوق زن و آزادی زن حرف بزنند. بین هم شیرینی پخش کنند، گل به زنان تقدیم کنند، در یک دنیای آزاد این روز به تعطیل عمومی بدل خواهد شد. باید به این سمت حرکت کنیم که هشت مارس بعنوان تعطیل رسمی برسمیت شناخته شود. تلاش کنیم که سر کار چند دقیقه ای دست از کار بکشیم و درباره هشت مارس صحبت کنیم. امسال باید هشت

مارس را در گوشه و کنار کشور حس کنیم. باید مهر این روز بر کل جامعه کوبیده شود. در تهران باید در پارک لاله میتینگ برگزار کنیم. در این میتینگ باید جمع شویم، سخنرانی کنیم، درباره آزادی زن و حقوق زن حرف بزنیم، شعار دهیم و قطعنامه تصویب کنیم. زنان و مردان آزادیخواه!

ما امسال باید این جمله زیبا و تاریخی را در همه جا اعلام کنیم: معیار آزادی جامعه، آزادی زنان است! باهم، دست در دست هم، همدوش هم بسوی یک هشت مارس وسیع و با شکوه حرکت کنیم. هشت مارس امسال را به یک روز فراموش نشدنی و تاریخی بدل کنیم. در این روز به جهانیان نشان دهیم که جنبش آزادی زن در ایران تا چه حد وسیع و قوی است. این روز را به یک پیروزی مهم برای این جنبش بدل کنیم.

### آذر ماجدی

### رئیس سازمان آزادی زن

### به کارگران نساجی کردستان

پخش آن از کانال جدید و رادیو انترناسیونال همه و همه امید به پیشرویهای بیشتر طبقه کارگر در این دور حساس میباشد.

طبقه کارگر ایران نیروی اصلی تغییرات بنیادی در ایران است. اکنون پس از ۲۶ سال از انقلاب ۵۷ به یمن وجود حزب کمونیست کارگری ایران و با دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و ایجاد شوراهای کارگری امکان پیروزی کارگران و مردم ایران بر سرمایه داری و جمهوری اسلامی یک امر واقعی و شدنی است.

امیدوارم که با همبستگی و اتحاد کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع ذوب آهن و فولاد اصفهان، تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز و اراک،

پالایشگاههای نفت آبادان، تهران، تبریز، کرمانشاه، اراک، اصفهان، بندر عباس و جزایر خارک و لاوان و ایران خودرو و ایجاد شوراهای کارگری به رهبری کارگران پیشرو و کمونیست در ارتباط نزدیک با حزب کمونیست کارگری ایران افق و آرمانمان را یعنی آزادی، برابری، حکومت کارگری بیشتر از هر زمان به واقعیت تبدیل کنیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران ایران  
زنده باد مجمع عمومی و شوراهای کارگری در سراسر ایران  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

**محمد مزرعه کار نفتگر سابق پالایشگاه نفت آبادان و مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۵ بهمن ۱۳۸۳